



خر دوباره لگد زد!

شعر طنز با اجازه مولانا!

صفحه ۱۲



تاکسیمتر

سخنرانی مهم یک شخصیت مهم در تاکسی

صفحه ۱۱



دیدین چی شد؟

گزارش بنگاه سخن پراکنی ملکه از تولد ملکه

صفحه ۶



همزمانی عجیب سایر اتفاقات با جام جهانی

جزیره غفلت



یکی از خوبی‌های جام جهانی این است که حواس آدم را از چیزهای دیگر پرت می‌کند. دنیا هم که پر است از چیزهای دیگر. یعنی شما اگر بخواهی حواست هم به چیزهای دیگر باشد، یک لیوان آب خوش هم از گلویت پایین نمی‌رود. اینطرف دنیا جنگ و غارت و آدمکشی، آنطرف خشکسالی و توفان و سیل و بی‌خانمانی. یعنی شما هرچقدر دیازپام بندازی بالا و چشمبند بزنی و بخواهی، باز هم یک چیزی هست که غصه‌اش را بخوری؛ البته دور از جان اگر انسان باشی! اما قربانتش بروم جام جهانی خودش اندازه دو تریلی دیازپام کار می‌کند. یک جور حواست را پرت می‌کند و همه چیز را از یادت می‌برد که دزد بیاید کل زندگی را از زیر پایت جارو بکند و ببرد هم متوجه نمی‌شوی. فوق فوش به طرف بگویی داداش بی زحمت از جلو تلویزیون برو کنار الان رونالدو پشت کاشته قرار گرفته! خوب است دیگر! آدم یک کم حواست پرت شود و کیف کند و تخمه بشکند.

سید محمد جواد طاهری

از سوتی‌های شجاعی تا فاضلاب منزل طارمی!

گزارش بازی ایران - مراکش

علی عمو کاظمی

پیش از بازی
- مردم با کاسه‌ای پر از تخمه آفتابگردان در مقابل تلویزیون نشسته‌اند. حدود نیم ساعت تبلیغ پوشک مری با قابلیت جذب بالا، روغن بدون ترانس (کف سرامیک، کاغذ دیواری یک خواب مستتر)، قلیلمه‌های نجسی که اگر همین الان پیامک بفرستید با نود درصد تخفیف برایتان ارسال می‌شود، کتابهای خیلی زرد کنکور و ... پخش می‌شود و لحظات مفرحی را برای مردم فوتبالیست کشورمان رقم می‌زند.
- بعد از پیام بازگانی، مجری برنامه «بیست هجده» می‌آید و برای یک ایلکیشن موبایل تبلیغ می‌کند و تاکید دارد پس از پیش بینی بازی‌ها باید انگشتتان را بگذارید روی صفحه گوشی و بکشید پایین.
- براندازان به شدت در توئیتر مشغول براندازی هستند و از فشار رژیم بر بازیکنان برای باخت در این مسابقه پرده بر می‌دارند. واضح است که اگر ایران ببرد، مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و شاه دوباره بر می‌گردد.
- رئیس جمهور یک نفر را می‌فرستد میدان منبری تا برایش پیراهن تیم ملی را تهیه کند. متأسفانه پیراهن در سبزه‌ها پیدا نمی‌شود و کمی برجستگی شکم ایشان از زیر پیراهن خودنمایی می‌کند. با این حال جای شکرش باقیست که آقای رئیس جمهور به پیراهن قناعت می‌کند و بی خیال شورت ورزشی می‌شود.
- پادشاه عربستان که پس از خوردن پنج گل از روسیه زیر پتو رفته بود و اصلاً لب به هیچ چیز نمی‌زد از زیر پتو بیرون می‌آید و آبی به دست و رویش می‌زند و به امید باخت سنگین ایران، تلویزیون را روشن می‌کند.

حین بازی

- براندازان از اینکه در ابتدا سرود جمهوری اسلامی ایران توسط بازیکنان خوانده می‌شود حساسی عصبانی می‌شوند. چند گیگ اینترنت می‌خرند و توفان توئیتری علیه این عمل استبداد راه می‌اندازند. آنها به صفحه ترامپ می‌روند و با کامنت اتک اس (attack us) از او می‌خواهند که به ایران حمله کند تا همه چیز آزاد و ارزان و آباد شود. البته براندازان متفکرتر و بیشتر درس خوانده معتقدند اصلاً بازیکنان سرود جمهوری اسلامی را نخوانده‌اند و رژیم دهان بازیکنان را فوتوشاپیده است.
- مردم استرس زیادی را تحمل می‌کنند. اکثر ذقایق توپ دست مراکشی‌ها است و هر چند تلیه یکبار بچه‌ها توپ را می‌گیرند و به مسعود شجاعی پاس می‌دهند. او هم دو باره توپ را به مراکشی‌ها پاس می‌دهد که چرخه به هم نخورد.
- در همان ذقایق ابتدایی، فردوسی پور آرزو می‌کند ای کاش همین الان بازی مسلولی تمام بشود. این آرزوی فردوسی پور، توده‌ای از اعتماد به نفس و غرور ملی را بر سر و صورت هموطنان بیننده می‌باشد.
- رئیس جمهور به فکر فرو می‌رود که اگر ایران بازی را نبرد، یک سری مردم پرتوقع دوباره یاد شکست بچام و گرانی دلار و سکه و مسکن و تخم مرغ و ... می‌افتند. خلاصه! یا باید برای تنظیم بازار تلاش شبانه روزی کند و یا ایران بازی را ببرد. با توجه به منتفی بودن گزینه یک، دست به دعا برمی‌دارد که ایران گل بزند.
- یک ضربه ایستگاهی اتفاق می‌افتد. حاج صفی سانتری می‌کند. بازیکن مراکش دروازه خودی را باز می‌کند. رئیس جمهور خوشحال می‌شود و به یکی از بچه‌ها می‌گوید: «عکس بگیر! عکس بگیر! برو از اون گوشه عکس بگیر. میخوام رکورد لایک و کامنت رو بشکونم!»
- پادشاه عربستان دچار سوزشی شدید در نواحی مختلفی از بدن خود می‌شود. دوباره به زیر پتو می‌رود و رنگ می‌زند و دستور حمله به یمن را صادر می‌کند تا آب سردی باشد بر نواحی سوخته‌اش.

پس از بازی

- مردم به خیابان‌ها می‌ریزند و شادی می‌کنند.
- براندازها و شاخه‌های اینستاگرام می‌بینند که واقعا حیف است مردم یک روز ناامید نباشند و دعوا نکنند. لذا توئیتر یک دونه فلسطینی را منتشر می‌کنند که در اقدامی شجاعانه از تیم مراکش حمایت کرده بود. از این شاخه‌های اینستا می‌توان به رضا صادقی (خواننده، محقق و صاحب نظر اینستاگرامی)، پرستو صالحی (بازیگر سریال زیر آسمان شهر و ... ذکر آثار دیگر این ستاره اینستاگرام در این مقاله نمی‌گنجد) و کواکبیسان (نماینده مجلس و صاحب اثر فصل گیلاس، آفریننده گیلاس، طعم گیلاس) اشاره کرد.
- حساب رسمی فدراسیون فوتبال فلسطین اعلام می‌کند این کشور از تیم ملی ایران حمایت می‌کند. سلبریتی‌ها کمی سوت می‌زنند و سپس مردم را به عدم قضاوت یکدیگر، گیاه خواری و فنگ شویی تشویق می‌کنند.
- طبق گزارشات رسیده، براندازها هم اکنون در توئیترهای قدیمی مهدی طارمی سرک کشیده‌اند تا بتوانند حداقل یک تو مخی خشک و خالی برای مردم ایران ایجاد کنند. یکی از براندازان تهدید کرده است که اگر این حرفه نگرقت، توئیتر طارمی که سهیل است، حاضر است سرش را در چاه فاضلاب منزل طارمی هم فرو کند.

مطبوعاتوز

وزیر راه وزیر راه نیست یا بفرموده بیاریدپایین!

مدیرکل راهداری آذربایجان غربی: آزادراه ارومیه - تبریز، آزادراه نیست.



دبیرسایت هاشمی رفسنجانی: کاش مرگ همه مثل مرگ هاشمی باشد.



خسرو تاج، معاون وزیر صنعت: دلیل گرانی خودرو را نمی دانم.



سخنگوی وزارت بهداشت: برای نشان دادن آزمایش، به پزشک ویزیت ندهید.



نکنه وزیر راه هم وزیر راه نیست!؟

آخه همه که استخر اختصاصی ندارند!

به نظرت ابرام آقا سوپر گوشت می داند؟

متأسفانه پزشک ما ماچ قبول نمی کنه!

مدیرعامل توانیر: مردم ده درصد صرفه جویی کنند، قطعی برق نخواهیم داشت.



سخنگوی وزارت خارجه: کره شمالی مراقب بدعهدی های آمریکا باشد.



رییس اتاق بازرگانی: فقط برخی شرکت های خاص دلار ۴۲۰۰ تومانی گرفتند.



رییس دولت: مشکل اقتصادی نداریم، توقع مردم را بالا نبرید!



بدون انرژی هسته ای، چند وقت دیگر اصلاً برق نخواهیم داشت!

مشاوره توسط تیم مذاکره کننده مجرب، با ۱۰۰٪ تخفیف برای هم قاره ای های عزیز.

لاید ژن خاص داشتند بتم جان!

خُب دیگه! بفرموده، بیارید پایین!

خر دوباره لگد زد!

یک روز شیخ پشت تربیون شد و بگفت یک بچه از توافق لوزانم آرزوست این بچه هر چه خواسته ام زود می دهد هر چیز از گذشته و الانم آرزوست این بچه نیست، غول چراغ است، هر چه هست مطرح کنید، شادی ایرانم آرزوست من نزد غول رفتم و دل خوش به آرزو گفتم به غول، پول فراوانم آرزوست یک شغل خوب و بنز و دلار هزاری و اجناس مفت و مسکن ارزانم آرزوست گفتا فقط برای خودت آرزو نکن گفتم عروس واسه مامانم آرزوست زان سو یکی بگفت که عشقم امیرعلی زین سو یکی بگفت که مرگامم آرزوست سرهنگ بهر دوره با زن نشستگی اش با اقتدار گفت که نیسانم آرزوست آن دیگری به دخترعمویش اشاره کرد با خنده - گریه گفت که ایشانم آرزوست «خوش تر ز عیش و صحبت و باغ و بهار چیست» حالا که نیست، وصلت اسانم آرزوست هر چند ازدواج مهم تر ز نان بود! هرگز نگفتم! فقط نانم آرزوست هر کس ز آرزوی خودش گفت و شیخ هم فرموده بود پرتو تابانم آرزوست تا اینکه خر دوباره لگد زد به طفل او گفتا که پاره کردن پیمانم آرزوست دی شیخ با ترامپ همی گفت: کُزه خرا! از جفتکت مولوم و اسانم آرزوست دشمن همیشه خر بود، این دفعه هم، ولی آن خر که هی لگد نزنم آرزوست گفتیم یافت می نشود شیخ! بیخیال گفتا اوهوم، البته، می دانم، آرزوست گفتیم بذر پوچ اگر باز کاشتی دیگر نگو که باغ و گلستانم آرزوست!

آب و ریکایت توی حلقم

الان مثل قدیمها نیست که برای حباب ساختن کلی به مغزت فشار بیآوری و فسفر بسوزانی! اصلاً نیازی نیست کاری کنی، به لطف مسئولین، حباب خود به خود ساخته می شود. یک زمانی حباب را برای بازی می ساختند و برای آن زحمت زیادی می کشیدند، مثلاً آب و ریکا قاطی می کردند و با لوله خودکار و با یک تمرکز و ملاحظه خاصی در آن فوت می کردند تا چندتا حباب ازش بزنند بیرون و یک جماعتی شاد شوند، البته این روش تلفاتی هم داشته چرا که عده ای تازه کار و شیفته شهرت، برای ساختن حباب بیشتر، نفس را در سینه حبس می کردند تا با یک فوت جاتانه، حباب بیشتری بسازند و کل آب ریکا می رفت در حلقشان. بعدها از همین نبوغ استفاده کردند و بدون اینکه از مخترع آن اجازه بگیرند انواع حباب سازها را ساختند تا دیگر برای حباب ساختن اینقدر خودمان را به زحمت نیندازیم و تلف نشویم، فقط کافی است فوت کنی. اما در حال حاضر برای حباب ساختن حتی نیاز نیست فوت کنی، این بار مسئولین وارد عمل شدند و انواع حباب ها را از تولید به مصرف ساختند که از تنوع زیادی هم برخوردار هستند، این حباب ها که گفته می شود دائمی نیستند نفس مردم را کاملاً در سینه حبس کرده و همینطور تعدادشان افزایش می یابد. اینطور که مسئولان پیش می روند احتمالاً در آینده نزدیک، حباب بخوریم، حباب بنوشیم، حباب بپوشیم و حتی در یک زندگی حبابی دست و پا بزنیم.

مهر پایین کشید

وای اگر کار من و عشق به آنجا بکشد هم به «ناجا» بکشد هم به «نزا» بکشد سکه چون در نوسان است چنین دلبران روز و شب مهره اش را به رخ ما بکشد آنقدر در طلب سکه دویدم، باید مرد نقاش «دل» و «دست» مرا «پا» بکشد گرچه البته حباب است ولی عمر حباب آنقدر نیز نباید به درازا بکشد زندگی سیر عجیبیست که در آن دیدم مهر پایین بکشد، سکه که بالا بکشد مهریه، سکه، طلا، خانه و شغلی درخور نکند کار من و عشق به اینها بکشد



کامران یاری

کلمتون

(کلمه + کارتون)
- گراز برای حفاظت از نسل خود، رییس سازمان حفاظت محیط زیست را خورد.
- کارگرها به زیر خط فقر می روند
- تصمیمات ارزی دولت از بس پخته بود، از هم و رفت
- آب پاکسی را روی دست مدیرعامل هما ریختند، همه چرک ها را شست
- حبیبها که بتر کنند تازه نفس کشیدن راحت می شود
- خجالت آورتر از تورم، اُفت ۱۷۵ هزار تومانی قیمت سکه است

آخر لاشه!

اگرچه سخت مشغول تلاشی دیگه وقتش شده از هم بیاشی شبیه وصله ناجور و معیوب باید از آسیا فوری جدا شی تموم خواهش تاریخ اینه که اصلاً جزو جغرافی نباشی زیر بارون موشکهای غزه خودت هم میدونی که آتش و لاشی تو اون تقویم بیست و پنج ساله درسته اولاشه، آخراشی

سرمايه گذاري سوپرمن و بتمن رفت خانه



صد بار بت گفتم اونجا موبایل خوب آنتن نمیده جاتو عوض کن. بتمن: دستم بنده چیکار داری؟ سوپرمن: داداش به نظرت الان بهتره رو چی سرمایه گذاری کرد؟ بتمن: ببین اگه سکه و ماشین نخردی حتما طلا بخر، په آشنا هم دارم دلار جهلگیری میده خواستی جورش کنم. سوپرمن: داداش طلا خوبه اتفاقاً دایانا هم په مدت دلش انگشتر می خواست، خیلی مخلصم بای. سوپرمن از آنجا که می دانست این روزها سرعت کاهش ارزش پول از فیلش هم بیشتر است گفت بهتر است با بتمن یک مشاوره ای کنم و این پولهای پس اندازم را در جایی سرمایه گذاری نمایم، بالاخره او پولدار همه قهرمان هاست. بتمن: الو سب بفس، بفرماید... سوپرمن: الو داداش باز تو غارتی؟ سبب راهی طلا فروشی شد و از مغازه دار قیمت انگشتری را پرسید. مغازه دار گفت: قابل ندارم، دو و دویست... سوپرمن متوجه شد کارت در جیب



ویژه نامه طنز راه راه
کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی
سر دبیر: بهزاد توفیق فر
دبیر سرویس شعر: زهرا فرقانی
دبیر سرویس کارتون: کامران یاری
مدیرفنی: امیرحسین محمدپور
صفحه بندی: مجتبی سالاری

با ما بتماسید!
رایانامه: info@rahrahtanz.ir
سروش: tanzym_ir
ایتا: tanzym_ir
بله: tanzym_ir

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
ر	ا	ن	س	ج	ی	د	پ	ا	ن	م	ا	ی	۱	۱
م	ا	ل	ه	ک	ش	ی	ی	ی	ی	ی	ی	ی	۲	۲
و	ر	س	ا	ن	س	ا	ن	س	ا	ن	س	ا	۳	۳
ز	د	ی	ر	ل	و	و	و	و	و	و	و	و	۴	۴
ش	و	ن	د	ا	و	و	و	و	و	و	و	و	۵	۵
م	ا	ج	م	ا	س	پ	س	پ	س	پ	س	پ	۶	۶
ن	ز	ا	ع	د	ی	پ	د	ی	پ	د	ی	پ	۷	۷
س	د	ی	د	س	ر	و	ش	پ	ل	ن	ن	ن	۸	۸
ی	ه	ن	خ	ش	ن	ت	ن	ت	ن	ت	ن	ت	۹	۹
م	د	م	د	م	و	و	و	و	و	و	و	و	۱۰	۱۰
ر	و	ه	ه	ی	ک	ی	ک	ی	ک	ی	ک	ی	۱۱	۱۱
ز	ن	و	ف	ع	ا	ل	م	د	ن	د	ن	د	۱۲	۱۲
ی	ک	د	و	س	ط	ی	ج	ا	ه	ا	ه	ا	۱۳	۱۳
م	ن	ا	ا	ا	ج	ز	ا	ی	ر	ی	ر	ی	۱۴	۱۴
ه	ا	م	د	ص	ا	د	ق	ه	د	ا	ی	ن	۱۵	۱۵